

Comparing the Effectiveness of Career Adaptability Education to Preschool Students and Attachment-based Counseling to Their Parents on Children's Career Development

Nazanin Khorasani¹, Mohammadreza Abedi², and Ahmad Sadeghi³

1. MS of Career Counseling, University of Isfahan, extracted from thesis.
2. Corresponding Author, Full Professor, University of Isfahan - m.r.abedi@edu.ui.ac.ir.
3. Associate Professor, University of Isfahan.

ABSTRACT

The article is taken from the dissertation

Received: 10/01/1399 - Accepted: 03/03/1400

Aim: The current study aimed to compare attachment-based counseling to mothers and the impact of career adaptability education to preschool children on children's career development in city of Isfahan. **Methods:** The statistical population included all of the preschool children aged 5 to 7 and parents of 5 to 7-year-old preschool children in city of Isfahan. Thirty preschool children, aged 5 to 7, were selected voluntarily and randomly divided into two experiment and control groups (10 children in each group). The parent group received the attachment-based counseling, the children group received the career adaptability education, both in 8 sessions. The control group did not receive any education. Data were collected with preschool students' career development questionnaire, and were analyzed using SPSS-18 and analysis of covariance. **Findings:** The results suggest that two methods had a considerable effect on time perspective ($P<0/05$, $F=7/35$), internal curiosity ($P<0/05$, $F=3/91$), information ($P<0/05$, $F=6/06$), and external curiosity ($P<0/001$, $F=10/41$), and there was no significant differences between the effectiveness of the two methods ($P<0/05$). **Conclusion:** Career education and counseling to preschool children and parents impacted the children's career development.

Keywords: Attachment, career adaptability, career development, preschool children, mothers



مقایسه اثربخشی دو روش مشاوره مبتنی بر دلبستگی به مادران و آموزش انطباق‌پذیری مسیر شغلی به کودکان بر رشد مسیر شغلی کودکان

نازنین خراسانی^۱، محمدرضا عابدی^۲، احمد صادقی^۳

۱. کارشناسی ارشد مشاوره شغلی دانشگاه اصفهان، ایران.
۲. (نویسنده مسؤل)، استادتمام گروه مشاوره دانشگاه اصفهان، ایران.
۳. استادیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان، ایران.

m.r.abedi@edu.ui.ac.ir

(صفحات ۲۸۸-۳۱۵)

مقاله مستخرج از پایان‌نامه است

چکیده

هدف: هدف این پژوهش مقایسه‌ی تأثیر دو روش مشاوره مبتنی بر دلبستگی به مادران و آموزش انطباق‌پذیری مسیر شغلی به کودکان پیش دبستانی بر رشد مسیر شغلی کودکان بود. روش: جامعه آماری شامل کلیه مادران و کودکان پیش‌دبستانی ۵ تا ۷ ساله شهر اصفهان بود. نمونه پژوهش شامل ۲۰ نفر از مادران (۱۰ نفر گروه آزمایش اول و ۱۰ نفر گواه) و ۱۰ نفر از کودکان پیش دبستانی (گروه آزمایش دوم) بود که به روش داوطلبانه انتخاب شدند و به تصادف در سه گروه مشاوره به مادران، آموزش به کودکان و گروه گواه قرار گرفتند. به منظور اجرای پژوهش، گروه آزمایش اول (مادران) طی هشت جلسه تحت مشاوره مبتنی بر دلبستگی و گروه آزمایش دوم (کودکان) طی هشت جلسه تحت آموزش انطباق‌پذیری مسیر شغلی قرار گرفتند و گروه گواه هیچ آموزشی دریافت نکرد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌ی رشد مسیر شغلی کودکان پیش دبستانی گردآوری و با استفاده از تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که هر دو شیوه‌ی مشاوره به مادران و آموزش به کودکان باعث افزایش مولفه‌های رشد مسیر شغلی کودکان، چشم انداز زمان ($F = 7/35$, $P < 0/05$), کنجکاوی درونی ($F = 3/91$, $P < 0/05$), اطلاعات ($F = 6/06$, $P < 0/05$) و کنجکاوی بیرونی ($F = 10/41$, $P < 0/001$) گردید و بین دو روش تفاوت معناداری وجود نداشت ($P < 0/05$). نتیجه‌گیری: بنابراین نتایج بیانگر این است که مشاوره و آموزش مسیر شغلی به کودکان و مادران می‌تواند در رشد مسیر شغلی کودکان پیش دبستانی نتایج مفیدی به دنبال داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: دلبستگی، انطباق‌پذیری مسیر شغلی، رشد مسیر شغلی، کودکان پیش دبستانی،

مادران

مقدمه

سال‌های پیش از دبستان و رشد فرد در این دوران از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا پایه و اساسی برای آنچه کودک خواهد شد به وجود می‌آورد (اسکرودر، ۲۰۰۴؛ به نقل از وندر وستویزن^۱، ۲۰۱۱). مهارت‌هایی که به افراد کمک می‌کند تا برای انتقال به دنیای بزرگسالی آماده شوند، در سال‌های کودکی آغاز می‌گردند و در طول یک مدت زمان طولانی رشد پیدا می‌کنند (سازمان راهنمایی و مشاوره کانادا^۲، ۱۹۹۳؛ به نقل از گوردون، کوچرو درفس^۳، ۲۰۰۰). در این مرحله نه تنها مهارت‌ها رشد می‌یابد، بلکه یادگیری در مورد مشاغل و نقش‌های کاری نیز اتفاق می‌افتد (استیدو شولتز^۴، ۲۰۱۰). یک بعد نسبتاً جدید رشد در دوران کودکی، رشد مسیر شغلی است (شارف^۵، ۲۰۱۰). تحقیقات بیان داشته‌اند که کودکان چهار تا پنج ساله فهم و درک نسبتاً واقع‌بینانه‌ای از مشاغل دارند که در طول زمان ثبات پیدا می‌کند (هارتونگ^۶، پروفلی^۷ و ووندراسک^۸، ۲۰۰۵). سوپر^۹ (۱۹۵۷)، به نقل از سینامن و دن^{۱۰} (۲۰۱۰) سنین پیش از دبستان را شالوده‌ای برای شکل‌گیری انتخاب‌های شغلی فرد می‌دانست و طبق نظریه گات فردسون^{۱۱} (۲۰۰۲)، آرزوهای مسیر شغلی در سال‌های پیش از دبستان شکل می‌گیرد. همچنین مطالعات اخیر نشان می‌دهد که دوران کودکی اهمیت زیادی در مکاشفه^{۱۲} و آگاهی^{۱۳} مسیر شغلی^{۱۱}، انتظارات^{۱۲}، آرزوها^{۱۳}،

1. Van Der Westhuyzen, N.T.
2. Canadian Guidance and Counseling Foundation.
3. Gordon, T.R., Couture, S.J. & Drefs, M.A.
4. Stead & Schultheiss, D.
5. Sharf, R. S.
6. Hartung, P. J. Profeli, E. J & Vondracek, F. W.
7. Super, D.
8. Cinamon, R. G. & Dan, O.
9. Gottfredson, L. S.
10. Exploration.
11. Career Awareness.
12. Expectation.
13. Aspiration.

علائق^۱ و انطباق‌پذیری مسیر شغلی دارد (باباروویک، بروسیک، دویس^۲ و همکاران، ۲۰۱۷؛ لیورا، تاویرا و پروفلی^۳، ۲۰۱۵؛ کاروالو، پسینهو و فرناندس^۴، ۲۰۱۸، ساویکاس^۵، ۲۰۱۵).
اگرچه اتخاذ تصمیمات شغلی فوری توسط کودکان ضروری نیست، اما آگاه شدن نسبت به مشاغل مختلف (استید و شولتز، ۲۰۰۳)، درک این موضوع که یادگیری‌های مدرسه‌ای با آینده مسیر شغلی شان ارتباط دارد (جانسون^۶، ۲۰۰۰) و تقویت منابع و مسیرهای شغلی مثبت در دوران کودکی (نوتا، گینورا و سنتیلی^۷، ۲۰۱۵) از اهمیت زیادی برخوردار است. بنابراین با توجه به اینکه یادگیری رشد مسیر شغلی کودکان از سنین پایین ضرورت دارد (کراوز، واتسون و مک ماهون^۸، ۲۰۱۷)، نیاز است فهم ما از مسیر شغلی به دوران کودکی گسترش یابد و مسیر شغلی کودکان را فرآیندی پویا در نظر بگیریم (هارتونگ، پروفلی و ووندراسک، ۲۰۰۵).

حجم وسیعی از شواهد تجربی به آگاهی از مسیر شغلی، آرزوها، انتظارات و علایق مسیر شغلی در بزرگسالان، نوجوانان و حتی کودکان دبستانی پرداخته‌اند (هارتونگ، پروفلی و ووندراسک، ۲۰۰۵؛ واتسون و مک ماهان، ۲۰۰۵؛ تریسی^۹، ۲۰۰۱)، اما مسیر شغلی کودکان پیش دبستانی در پژوهش و عمل مورد غفلت واقع شده است (واتسون و مک ماهون، ۲۰۰۵؛ پاتون^{۱۰}، ۲۰۱۷). نایت^{۱۱} (۲۰۱۵)، تأکید کرد که برنامه‌های رشد مسیر شغلی در سطح دبستان و پیش از آن از نظر رشدی مهم است و آمادگی مسیر شغلی فرد را در آینده تضمین می‌کند.

یکی از مفاهیمی که اخیراً در آموزش شغلی کودکان پیشنهاد شده است، آموزش

1. Interest.
2. Babarović, T., Burušić, J., Dević, I.
3. Oliveira, I. M., Taveira, M. C., & Porfeli, E. J.
4. Carvalho, R. G., Pocinho, M., & Fernandes, D.
5. Savickas, M. L.
6. Johnson, L. S.
7. Nota, L. Ginevra, M. & Santilli, S.
8. Crause, E., Watson, M., & McMahan, M.
9. Tracey, T. J. G.
10. Patton, W.
11. Knight, J. L.

انطباق‌پذیری مسیر شغلی به آنها است (پیلاشوستر^۱؛ ماری^۲، ۲۰۱۷). مفهوم انطباق‌پذیری عنصری محوری در نظریه‌ی سازه‌گرایی مسیر شغلی که برای اولین بار در دوران کودکی ظاهر می‌شود. داشتن نگاه روبه‌جلو برای خیال‌بافی در مورد آینده، گرفتن تصمیمات مسیر شغلی زندگی برای ساختن آینده، نگاه کردن به اطراف برای کشف کردن آینده و ایجاد خودکارآمدی برای حل کردن مشکلات از ابعاد اساسی انطباق‌پذیری مسیر شغلی است (هارتونگ، پروفلی و ووندراسک، ۲۰۰۸). دانش‌آموزان انطباق‌پذیرتر انگیزش بیشتری برای درگیری در فعالیت تصمیم‌گیری و همچنین به دست آوردن اطلاعات مربوط به خود، محیط و فرآیند تصمیم‌گیری دارند، بلا تصمیمی و تعارضات درونی و بیرونی کمتری را تجربه خواهند کرد (اکبرزاده، عابدی و باغبان، ۱۳۹۸)، از نظر تحصیلی موفق‌ترند (علی پور اصفهانی و صادقی، ۱۳۹۹)، توانایی‌های بیشتری برای مقابله با چالش‌های پیش رو و در نتیجه رضایت بیشتری از زندگی دارند (سنتیلی، گروسن^۳ و نوتا، ۲۰۲۰).

به علاوه مشاوران باید در آموزش‌های مسیر شغلی، نقش والدین را به عنوان تسهیلگران مسیر شغلی کودکان نیز در نظر داشته باشند. والدین نقش مهمی را در تشویق کودکانشان برای اکتشاف در دنیای مشاغل و رشد مسیر شغلی آنان ایفا می‌کنند (سلیگمن^۴ و وینستوک و هفلین^۴، ۱۹۹۱). ماهیت و کیفیت رابطه با افراد مهم در زندگی فرد (مثل والدین)، به عنوان یک عامل تبیین‌کننده در حیطه‌های رشدی و سازگاری انسان مثل رشد مسیر شغلی در نظر گرفته می‌شود (بلوستاین^۵، پریزیسو^۶ و شولتز، ۱۹۹۵).

نظریه‌ی دلبستگی، عام‌ترین نظریه برای تبیین رفتار والد - کودک به شمار می‌رود که توسط بالبی^۷ تدوین شد (بالبی، ۱۹۶۹، اکانرو زینا^۸، ۲۰۰۳). بر اساس این نظریه افرادی

-
1. Peila-Shuster, J. J.
 2. Maree, J. G.
 3. Grossen, S.
 4. Seligman, L., Weinstock, L., & Heflin, E. N.
 5. Blustein, D. L.
 6. Prezioso, M.
 7. Bowlby, J.
 8. O'Connor, T. G., & Zeanah, C. H.

که به در دسترس بودن و پاسخ‌دهی یک شخص قابل اطمینان اعتماد دارند، در هر سنی سازگاری موفقیت‌آمیزی با دامنه‌ی وسیعی از بافت‌های جدید مثل حیطه‌های مسیر شغلی از خود نشان می‌دهند (اسکوریکو^۱ و پاتون، ۲۰۰۷). روابط ایمن والد-کودک، مکاشفه مسیر شغلی، آرزوهای مسیر شغلی و رغبت‌های شغلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (تک^۲ گانی و کرت^۳، ۲۰۱۵، رو، ۱۹۵۶؛ به نقل از توکار، ویسرو^۴ هال^۳ و همکاران، ۲۰۰۳). کترسون^۴ و بلوستاین (۱۹۹۷) بیان داشتند که رابطه ایمن والد-کودک با رشد باورهای مثبت مسیر شغلی، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مسیر شغلی رابطه دارد. به علاوه سبک دل‌بستگی ایمن و ارتباط مثبت والد-کودک، جهت‌گیری نسبت به آینده و خوش‌بینی را در کودکان به وجود می‌آورد و منجر به خیال‌بافی‌هایی در مورد خود و آینده می‌شود (ساویکاس، ۲۰۰۲) و نقش مهمی در انطباق‌پذیری و رشد مسیر شغلی دانش‌آموزان ایفا می‌کند (ویباوو، امبرواتی و کرسنزو^۵، ۲۰۲۰). بنابراین با توجه به مطالب بیان شده و زمینه پژوهشی موجود، به نظر می‌رسد آموزش انطباق‌پذیری مسیر شغلی به کودکان مشاوره مبتنی بر دل‌بستگی به والدین از ظرفیت‌های مناسبی برای اثربخشی بر رشد مسیر شغلی کودکان پیش‌دبستانی برخوردارند.

با توجه به نیاز روزافزون جوامع امروزی به افرادی با آمادگی بالا جهت روبه‌رو شدن با چالش‌های مسیر شغلی و غفلت پژوهشی قابل مشاهده در زمینه‌ی توسعه قابلیت‌های لازم در سال‌های اولیه‌ی مسیر شغلی و با توجه به اینکه برای تاثیرگذاری بر کودکان می‌توان از دور روش مشاوره والدین و آموزش مستقیم به کودک استفاده کرد، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سوال است که کدام یک از دور روش مشاوره مبتنی بر دل‌بستگی به مادران و آموزش انطباق‌پذیری مسیر شغلی به کودکان پیش‌دبستانی بر رشد مسیر شغلی کودکان موثرتر است؟

-
1. Skorikov, V. B
 2. Tekke, M., Ghani, M. F. B. A., & Kurt, N.
 3. Tokar, D. M., Withrow, J. R., Hall, R. J.
 4. Ketterson, T.U.
 5. Wibowo, D. H., Ambarwati, K. D., & Crescenzo, P.

روش پژوهش

روش پژوهش نیمه تجربی از نوع پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه گواه می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه کودکان پیش‌دبستانی ۵ تا ۷ ساله و کلیه مادران کودکان پیش‌دبستانی ۵ تا ۷ ساله شهر اصفهان بود. با توجه به نظر گال، بورگ، و گال (۱۹۴۱)، ترجمه احمد رضا نصر و همکاران، (۱۳۸۳) که حجم نمونه مناسب در هر گروه مداخلات آزمایشی را بین ۸ تا ۱۲ نفر می‌دانند، تعداد نمونه این پژوهش ۳۰ نفر انتخاب گردید که به شیوه‌ی نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب و به صورت تصادفی، در سه گروه گمارده شدند. ملاک ورود به گروه آموزشی کودکان، دامنه سنی بین ۵ تا ۷ سال (پیش‌دبستانی) و ملاک وارد شدن به گروه مشاوره والدین، داشتن کودکانی با همین رده سنی بود. ملاک خروج غیبت بیش از دو جلسه بود.

به منظور دعوت از علاقه‌مندان برای شرکت در کارگاه‌ها فراخوان‌هایی طراحی و در کانون‌های پرورش فکری کودکان و نوجوانان شهر اصفهان منتشر گردید. همچنین از طریق پیامک به اعضای در مورد کارگاه‌ها اطلاع‌رسانی شد. پس از دعوت از متقاضیان، از بین داوطلبان به صورت تصادفی نمونه‌ای ۳۰ نفری انتخاب و سپس به صورت تصادفی در سه گروه مشاوره مسیر شغلی به مادران، آموزش کودکان و گروه گواه گمارده شدند (۲۰ نفر از مادران کودکان (۱۰ نفر گروه آزمایش اول و ۱۰ نفر گواه) و ۱۰ نفر از کودکان پیش‌دبستانی (گروه آزمایش دوم)) و پرسشنامه‌ی رشد مسیر شغلی کودکان بر روی مادران هر سه گروه اجرا شد. گروه آزمایش اول شامل مادران بودند که مشاوره مبتنی بر دل‌بستگی را دریافت کردند، ولی کودکان آنها آموزشی دریافت نکردند. گروه آزمایش دوم شامل کودکان پیش‌دبستانی بودند که آموزش انطباق‌پذیری مسیر شغلی را دریافت کردند، اما مادران آنها آموزشی دریافت نکردند. همچنین برای گروه گواه نیز هیچ جلسه‌ای برگزار نشد. جلسه‌های آموزش به کودکان و مادران هفته‌ای دو بار به مدت ۹۰ دقیقه برای مادران و ۶۰ دقیقه برای کودکان برگزار شد. برای هر دو گروه آزمایش هشت جلسه‌ی آموزشی برگزار شد.

پس از پایان جلسات پس از آزمون بر روی هر سه گروه اجرا شد. به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، بعد از اجرای پس از آزمون مادران گروه گواه چهار جلسه آموزش گروهی دریافت کردند.

به منظور مشخص شدن محتوای جلسات مشاوره مسیر شغلی به مادران و آموزش به کودکان، از نتایج پژوهش خراسانی (۱۳۹۵) استفاده شد. با توجه به نیازسنجی صورت گرفته در این پژوهش، ارتباط صمیمانه با والدین و دلبستگی ایمن به عنوان نیاز اصلی مسیر شغلی کودکان پیش دبستانی تعیین شد. بنابراین مشاوره مادران شامل مشاوره مبتنی بر دلبستگی بود که در طی جلسات به نقش پررنگ مادران در تسهیل رشد مسیر شغلی کودکان تأکید گردید. همچنین نیاز دیگری که در اولویت قرار داشت، افزایش ابعاد انطباق پذیری کودکان بود که بر روی گروه آزمایشی دوم یعنی کودکان اجرا شد. جلسات مشاوره مادران بر اساس نظریه دلبستگی بالبی (۱۹۸۸-۱۹۶۹) و جلسات آموزش به کودکان بر اساس نظریه انطباق پذیری مسیر شغلی ساویکاس (۲۰۰۲) و کتاب رشد مسیر شغلی کودکان و نوجوانان (اسکوریکو و پاتون، ۲۰۰۷) طراحی گردید. خلاصه جلسات هر دو گروه که هر کدام در طی ۸ جلسه انجام شد در جداول ۱ و ۲ در زیر آمده است:

جدول ۱. محتوای جلسات گروهی مشاوره مبتنی بر دلبستگی به مادران

جلسات	شرح جلسات
جلسه اول	معارفه و آشنایی، اجرای پیش آزمون، توجیه مادران در مورد آغاز مسیر شغلی از دوران کودکی، تأکید بر اهمیت ارتباط صمیمانه والد-کودک و تأثیر آن در آینده کودک
جلسه دوم	بحث در مورد دلبستگی ایمن و نایمن و پخش فیلم در این رابطه، صحبت در مورد در دسترس بودن و پاسخده بودن مادر و تأثیرات آن، تأکید بر ارتباط بین دلبستگی و انطباق پذیری مسیر شغلی، دریافت بازخورد و ارائه تکلیف
جلسه سوم	بازخورد از جلسه قبل، صحبت در مورد نیاز کودک به درک احساسات و پاسخ‌های همدلانه، آگاه نمودن مادران برای پاسخ دادن بر اساس نیازهای کودک نه بر اساس ذهن، احساسات و نیازهای خود، ارائه تکلیف

جلسات	شرح جلسات
جلسه چهارم	معرفی عوامل مؤثر بر دل‌بستگی: نوازش، بازی و قصه، تأکید بر اهمیت نوازش فیزیکی، کلامی و رفتاری، ارائه تکلیف
جلسه پنجم	صحبت در مورد نوازش کلامی، ادبیات نامطلوب و مطلوب و اصول گفت‌وگو با کودک، ارائه تکلیف
جلسه ششم	معرفی بازی به عنوان عامل بنیادی در دل‌بستگی، آموزش بازی‌های مبتنی بر دل‌بستگی
جلسه هفتم	معرفی قصه‌گویی به عنوان عامل بنیادی در ارتباط با کودک، توضیحاتی در مورد ویژگی‌های قصه‌های خوب
جلسه هشتم	بررسی تکالیف و مرور مباحث جلسات قبل، گرفتن بازخورد مادران نسبت به کارگاه، پاسخگویی به سؤالات مادران، تأکید بر عملی کردن آموخته‌ها، اجرای پس‌آزمون

جدول ۲. محتوای جلسات آموزش انطباق‌پذیری مسیر شغلی به کودکان

جلسه	شرح جلسات
جلسه اول	دغدغه مسیر شغلی: برقراری رابطه، ساختن لگوهای مکعبی از روی الگو برای ایجاد دغدغه، نقاشی شغل مورد علاقه و راهنمایی کودک در حین نقاشی، دادن کتاب کار به کودکان
جلسه دوم	دغدغه و کنجکاوی مسیر شغلی: صحبت در مورد زندگی خانوادگی آینده با کودکان، اجرای تکنیک درخت مشاغل، ایفای نقش مشاغل و خواستن از کودکان برای حدس زدن نام مشاغل
جلسه سوم	کنجکاوی مسیر شغلی (کشف دنیای مشاغل): برگزاری نمایشگاه مشاغل و تجربه کردن مشاغل عینی، پوشیدن لباس و آشنایی با ابزار مشاغل عینی و نحوه کار با آنها
جلسه چهارم	کنجکاوی مسیر شغلی (کشف خود): بازی آینه و توصیف ویژگی‌های ظاهری خود، اجرای بازی برای توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های خود با دیگران، درست کردن کتاب تصویری در مورد خودشان
جلسه پنجم	کنجکاوی و کنترل مسیر شغلی: اجرای تکنیک card sort مشاغل برای کودکان، برگزاری مهمانی مشارکتی
جلسه ششم	کنترل مسیر شغلی: درست کردن محصولات گروهی، کشیدن نقاشی مشارکتی
جلسه هفتم	کنترل و اعتماد مسیر شغلی: اجرای جعبه اعتماد، بازی مشارکتی جمع کردن زباله‌ها، بازی تئیدن گروهی تارنکبوت
جلسه هشتم	اعتماد مسیر شغلی: ساختن اجسامی با گل بهداشتی و بازخورد مثبت به کودکان در حین این بازی‌ها، بازی با حباب

ابزار

پرسشنامه‌ی رشد مسیر شغلی کودکان پیش دبستانی^۱: به منظور سنجش رشد مسیر شغلی کودکان از پرسشنامه رشد مسیر شغلی کودکان پیش دبستانی (خراسانی، ۱۳۹۴) استفاده شد. این پرسشنامه بر اساس ابعاد مدل رشد مسیر شغلی کودکان سوپر (۱۹۹۰)؛ کنجکاوی، مکاشفه، جمع‌آوری اطلاعات، شخصیت‌های مهم، رغبت‌ها، منبع کنترل، چشم‌انداز زمان، خود‌پنداره و طرح‌ریزی و با توجه به پرسشنامه الیویرا و تاویرا (۲۰۱۲) ساخته شده است. پرسشنامه الیویرا و تاویرا یک پرسشنامه خودگزارشی است که آن نیز بر اساس ابعاد مدل سوپر در پرتغال ساخته شد تا رشد مسیر شغلی کودکان دبستانی را مورد سنجش قرار دهد. الیویرا و تاویرا (۲۰۱۲) بعد شخصیت‌های مهم را به دلیل پایایی درونی نامناسب حذف و برای کنجکاوی / اکتشاف دو بعد درونی و بیرونی در نظر گرفتند.

خراسانی (۱۳۹۴)، با الگوبری از این پرسشنامه و بر اساس این ۸ بعد، پرسشنامه‌ی رشد مسیر شغلی کودکان پیش دبستانی را طراحی کرد تا رشد مسیر شغلی آنها را با توجه به پاسخ مادر مورد ارزیابی قرار دهد. این پرسشنامه شامل ۳۲ سؤال در هشت حیطه (طرح‌ریزی، خودپنداره، منبع کنترل، چشم‌انداز زمان، کنجکاوی / اکتشاف درونی، اطلاعات، رغبت، کنجکاوی / اکتشاف بیرونی) است. برای هر یک از ابعاد ۴ سؤال در نظر گرفته شده است. روش نمره‌گذاری به صورت طیف لیکرت و در قالب پاسخ‌های خیلی زیاد (نمره ۵)، زیاد (نمره ۴)، متوسط (نمره ۳)، کم (نمره ۲) و خیلی کم (نمره ۱) در نظر گرفته شده است. نمره کم در این پرسشنامه نشان‌دهنده رشد مسیر شغلی پایین کودک و نمره زیاد نشان‌دهنده رشد مسیر شغلی بالای کودک است. لازم به ذکر است که پرسشنامه نمره معکوس ندارد.

برای بررسی روایی این پرسشنامه از دو روش استفاده شد: الف) روایی محتوایی

پرسشنامه که با نظر پنج متخصص تأیید گردید. (ب) به منظور تعیین روایی همگرایی^۱ پرسشنامه، همبستگی هر زیرمقیاس با نمره کل همه‌ی زیرمقیاس‌ها و همچنین همبستگی زیرمقیاس‌ها با هم بررسی شد (ویلیامز، اونسمن و براون^۲، ۲۰۱۰) که نتایج نشان داد پرسشنامه از روایی مطلوبی برخوردار است. در مطالعه‌ی مقدماتی به منظور سنجش ویژگی‌های روان‌سنجی، این پرسشنامه بر روی یک نمونه‌ی ۳۰ نفری اجرا شد و پایایی آن به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۶ محاسبه گردید.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش جهت بررسی سوال پژوهش ابتدا نتایج آمار توصیفی بررسی می‌گردد. نمرات انحراف معیار و میانگین پیش‌آزمون و پس‌آزمون رشد مسیرشغلی و خرده‌مقیاس‌ها در دو گروه آزمایش و گروه گواه در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. میانگین و انحراف معیار نمرات رشد مسیرشغلی و خرده‌مقیاس‌های آن در گروه‌های آزمایش و گروه گواه در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون

متغیر	مرحله	آزمایش ۱*		آزمایش ۲**		گواه	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
رشد مسیرشغلی	پیش‌آزمون	۱۰۸/۴۰۰	۲۴/۹۴۵	۱۱۵/۴۰۰	۱۳/۴۸۴	۱۰۹/۸۰۰	۱۳/۲۲۲
	پس‌آزمون	۱۲۴/۰۰	۲۱/۰۸۱	۱۲۴/۴۰۰	۱۴/۹۰۱	۱۰۷/۹۰۰	۱۰/۹۹۹
طرح‌ریزی	پیش‌آزمون	۱۲/۲۰	۴/۷۰۹	۱۳/۳۰	۳/۰۵۶	۱۳	۳/۶۳
	پس‌آزمون	۱۴/۲۰	۴/۲۸	۱۴/۳۰	۳/۰۵۶	۱۳/۲۰	۳/۵۵
خودپنداره	پیش‌آزمون	۱۵/۶۰	۲/۷۱	۱۴/۷۰	۲/۸۳	۱۵/۲۰	۱/۹۳
	پس‌آزمون	۱۶/۵۰	۲/۳۶	۱۵/۷۰	۱/۷۰	۱۴/۹۰	۲/۱۸
منبع کنترل	پیش‌آزمون	۱۳/۴۰	۳/۶۸	۱۳/۲۰	۲/۲۰	۱۴/۶۰	۲/۱۱
	پس‌آزمون	۱۵/۵۰	۳/۸۶	۱۴/۳۰	۲/۴۰	۱۴/۲۰	۲/۳۹

1. Convergent validity
2. Williams, B., Onsman, A., & Brown, T.

متغیر	مرحله	آزمایش ۱*		آزمایش ۲**		گواه
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
چشم انداز زمان	پیش آزمون	۳/۹۶	۱۱/۸۰	۳/۶۵	۱۱/۲۰	۲/۹۷
	پس آزمون	۳/۸۳	۱۴/۴۰	۲/۹۳	۱۰/۵۰	۲/۹۹
کنجکاوی درونی	پیش آزمون	۳/۱۰۷	۱۵/۹۰	۲/۷۶۶	۱۶/۶۰	۲/۳۱۹
	پس آزمون	۲/۲۳۳	۱۷/۵۰	۳/۰۴۷	۱۵/۸۰	۲/۵۲۹
اطلاعات	پیش آزمون	۳/۳۷۳	۱۴/۴۰	۳/۳۸۱	۱۳/۹۰	۳/۱۴۲
	پس آزمون	۲/۶۴	۱۵/۹۰	۳/۳۴	۱۳/۲۰	۲/۶۵
رغبت	پیش آزمون	۲/۳۲	۱۳/۵۰	۲/۱۱	۱۴/۷۰	۲/۶۵
	پس آزمون	۳/۳۰	۱۴/۴۰	۱/۹۵	۱۴/۷	۲/۱۱
کنجکاوی بیرونی	پیش آزمون	۴/۴۲	۱۱/۶۰	۳/۲۳	۱۱/۱۰	۳/۹۸
	پس آزمون	۳/۳۰	۱۴/۶۰	۲/۸۲	۱۱/۴۰	۳/۳۷

*آزمایش ۱: گروه مشاوره مسیر شغلی به مادران **آزمایش ۲: گروه آموزش مسیر شغلی به کودکان

پس از بررسی فرض نرمال بودن نمرات کل توسط آزمون کولموگوروف اسمیرنوف و همسانی واریانس نمرات به وسیله آزمون لوین، به منظور بررسی سوال پژوهش از تحلیل کواریانس با کنترل پیش آزمون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. خلاصه نتایج تحلیل کواریانس نمره رشد مسیر شغلی کودکان در سه گروه مشاوره مسیر شغلی به مادران، آموزش مسیر شغلی به کودکان و گروه گواه

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری P	مجذور اتا	توان آماری
پیش آزمون	۴۷۰۷/۶۳	۱	۴۷۰۷/۶۳	۵۱/۴۳	۰/۰۰۱	۰/۶۶	۱/۰۰۰
گروه	۱۵۶۴/۴۱	۲	۷۸۲/۲۰	۸/۵۴	۰/۰۰۱	۰/۳۹	۰/۹۴
خطا	۲۳۷۹/۶۶۲	۲۶	۹۱/۵۲۵				
کل	۴۳۲۰۲۵	۳۰					

همان طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، میزان F تفاوت معناداری را بین سه گروه آموزش مسیر شغلی به کودکان، مشاوره مسیر شغلی به مادران و گروه گواه نشان می‌دهد

($P < 0/001$). با توجه به مجذور اتا برآورد شده ($0/39$)، می‌توان گفت ۳۹ درصد از تغییرات نمرات رشد مسیر شغلی ناشی از تفاوت‌های گروهی و تأثیر آموزش مسیر شغلی است. با توجه به اینکه تفاوت معناداری بین گروه‌ها به دست آمد، به منظور آزمون سوال پژوهش و با استفاده از مقایسه زوجی (آزمون تعقیبی LSD) مشخص گردید که بین کدام یک از گروه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج آن در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. نتایج مقایسه‌های زوجی بین گروه‌های آزمایش و گواه

گروه‌ها	مقایسه‌های زوجی	اختلاف میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری
مشاوره به مادران	آموزش به کودکان	۴/۷۱۷	۴/۳۳۸	۰/۲۸۷
	گروه گواه	۱۷/۱۲	۴/۲۸۱	۰/۰۰۱
آموزش به کودکان	مشاوره به مادران	-۴/۷۱۷	۴/۳۳۸	۰/۲۸۷
	گروه گواه	۱۲/۴۰۷	۴/۳۱۶	۰/۰۰۸
گروه گواه	مشاوره به مادران	-۱۷/۱۲۳	۴/۲۸۱	۰/۰۰۱
	آموزش به کودکان	-۱۲/۴۰۷	۴/۳۱۶	۰/۰۰۸

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، اختلاف میانگین گروه مشاوره به مادران و آموزش به کودکان معنادار نیست ($P < 0/05$)، بنابراین می‌توان گفت بین روش آموزش مسیر شغلی به کودکان و مشاوره مسیر شغلی به مادران تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین معنادار بودن اختلاف میانگین گروه مشاوره به مادران و گروه گواه ($P < 0/001$)، و گروه آموزش به کودکان و گروه گواه ($P < 0/05$) نشان می‌دهد که مشاوره مسیر شغلی به مادران و آموزش به کودکان تأثیر معناداری بر رشد مسیر شغلی کودکان دارد. به منظور بررسی فرضیات حاصل از پژوهش پس از تایید همسانی واریانس‌ها به وسیله آزمون لوین، از آزمون تحلیل کواریانس استفاده شد که نتایج آن در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶. خلاصه نتایج تحلیل کواریانس در سه گروه مشاوره مسیر شغلی به مادران، آموزش مسیر شغلی به کودکان و گروه گواه در خرده مقیاس ها

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری P	مجذور اتا	توان آماری
طرح ریزی	پیش‌آزمون گروه	۲۳۵/۸۹	۱	۲۳۵/۸۹	۴۹/۷۰	۰/۰۰۱	۰/۶۵	۱/۰۰
	گروه	۱۳/۲۵	۲	۶/۶۲	۱/۳۹	۰/۲۶۵	۰/۰۹۷	۰/۲۷
خودپنداره	پیش‌آزمون گروه	۵۱/۶۷	۱	۵۱/۶۷	۱۹/۸۰	۰/۰۰۱	۰/۴۳	۰/۹۹
	گروه	۱۰/۵۰	۲	۵/۲۵	۲/۰۱۴	۰/۱۵۴	۰/۱۳	۰/۳۷
منبع کنترل	پیش‌آزمون گروه	۱۲۹/۰۴	۱	۱۲۹/۰۴	۳۰/۷۳	۰/۰۰۰	۰/۵۴	۱/۰۰
	گروه	۲۴/۴۴	۲	۱۲/۲۲	۲/۹۱	۰/۰۷۲	۰/۱۸	۰/۵۱
چشم‌انداز زمان	پیش‌آزمون گروه	۱۲۹/۴۹	۱	۱۲۹/۴۹	۲۳/۵۴	۰/۰۰۰	۰/۴۷	۰/۹۹
	گروه	۸۰/۸۷	۲	۴۰/۴۳	۷/۳۵	۰/۰۰۳	۰/۳۶	۰/۹۰
کنجکاوی	پیش‌آزمون گروه	۹۸/۰۵	۱	۹۸/۰۵	۲۹/۰۸	۰/۰۰۱	۰/۵۲	۰/۹۹
	گروه	۲۶/۳۹	۲	۱۳/۱۹	۳/۹۱	۰/۰۳۳	۰/۲۳	۰/۶۵
اطلاعات	پیش‌آزمون گروه	۱۳۱/۹۱	۱	۱۳۱/۹۱	۳۹/۴۲	۰/۰۰۰	۰/۶۰	۱/۰۰
	گروه	۴۰/۵۶	۲	۲۰/۲۸	۶/۰۶	۰/۰۰۷	۰/۳۱	۰/۸۴
رغبت	پیش‌آزمون گروه	۸۹/۳۲	۱	۸۹/۳۲	۴۲/۰۹	۰/۰۰۰	۰/۶۱	۱/۰۰
	گروه	۰/۹۵	۲	۰/۴۷	۰/۲۲	۰/۱۸۰	۰/۱۷	۰/۰۸
کنجکاوی بیرونی	پیش‌آزمون گروه	۲۰۰/۷۷	۱	۲۰۰/۷۷	۷۰/۴۲	۰/۰۰۱	۰/۷۳	۱/۰۰
	گروه	۵۹/۳۹	۲	۲۹/۶۹	۱۰/۴۱	۰/۰۰۱	۰/۴۴	۰/۹۷

نتایج ارائه شده در جدول ۶، نشان داد F محاسبه شده در طرح ریزی، خودپنداره، منبع کنترل و رغبت معنادار نیست ($P < 0/05$) و بنابراین آموزش مسیر شغلی به کودکان و مادران تأثیری در افزایش این چهار بعد مسیر شغلی کودکان نداشته است. به این ترتیب بین سه گروه تفاوت معناداری وجود ندارد و فرض پژوهش رد می‌شود. اما از آنجایی که F مشاهده شده در چشم‌انداز زمان ($P < 0/05$)، کنجکاوی درونی ($P < 0/05$)، اطلاعات ($P < 0/05$) و کنجکاوی بیرونی ($P < 0/001$) تفاوت معناداری را بین سه گروه آموزش مسیر شغلی به کودکان، مشاوره مسیر شغلی به مادران و گواه نشان می‌دهد، می‌توان نتیجه

گرفت که آموزش مسیر شغلی در افزایش این ۴ حیطة تأثیر داشته است. به این علت که تفاوت بین گروه‌ها در این چهار بعد معنادار به دست آمد، با استفاده از آزمون تعقیبی LSD مشخص گردید که بین کدام یک از گروه‌ها دوبره تفاوت معناداری وجود دارد که نتایج آن در جدول (۷) آمده است.

جدول ۷. نتایج مقایسه‌های زوجی بین گروه‌های آزمایش و گواه در متغیرهای چشم‌انداز زمان، کنجکاوی درونی، اطلاعات، کنجکاوی بیرونی

متغیرها	گروه‌ها	مقایسه‌های زوجی	اختلاف میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری
چشم‌انداز زمان	مشاوره به مادران	آموزش به کودکان	۰/۵۲	۱/۰۴	۰/۶۲
		گروه گواه	۳/۷۳	۱/۰۵	۰/۰۰۲
چشم‌انداز زمان	آموزش به کودکان	مشاوره به مادران	-۰/۵۲	۱/۰۴	۰/۶۲
		گروه گواه	۳/۲۰	۱/۰۵	۰/۰۰۵
گروه گواه	مشاوره به مادران	آموزش به کودکان	-۳/۷۳	۱/۰۵	۰/۰۰۲
		گروه گواه	-۳/۲۰	۱/۰۵	۰/۰۰۵
کنجکاوی درونی	مشاوره به مادران	آموزش به کودکان	۰/۴۳	۰/۸۲	۰/۵۹
		گروه گواه	۲/۱۸	۰/۸۲	۰/۰۱
کنجکاوی درونی	آموزش به کودکان	مشاوره به مادران	-۰/۴۳	۰/۸۲	۰/۵۹
		گروه گواه	۱/۷۴	۰/۸۲	۰/۰۴
گروه گواه	مشاوره به مادران	آموزش به کودکان	-۲/۱۸	۰/۸۲	۰/۰۱
		آموزش به کودکان	-۱/۷۴	۰/۸۲	۰/۰۴
اطلاعات	مشاوره به مادران	آموزش به کودکان	-۰/۲۳	۰/۸۲	۰/۷۸
		گروه گواه	۲/۳۶	۰/۸۲	۰/۰۰۸
اطلاعات	آموزش به کودکان	مشاوره به مادران	۰/۲۳	۰/۸۲	۰/۷۸
		گروه گواه	۲/۵۹	۰/۸۲	۰/۰۰۴
گروه گواه	مشاوره به مادران	آموزش به کودکان	-۲/۳۶	۰/۸۲	۰/۰۰۸
		آموزش به کودکان	-۲/۵۹	۰/۸۲	۰/۰۰۴
مشاوره به مادران	آموزش به کودکان	آموزش به کودکان	۱/۶۷	۰/۸۱	۰/۰۵
		گروه گواه	۳/۴۵	۰/۷۵	۰/۰۰۱

متغیرها	گروه‌ها	مقایسه‌های زوجی	اختلاف میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری
کنجکاو بیرونی	آموزش به کودکان	مشاوره به مادران	-۱/۶۷	۰/۸۱	۰/۰۵
		گروه گواه	۱/۷۷	۰/۸۳	۰/۰۴
	گروه گواه	مشاوره به مادران	-۳/۴۵	۰/۷۵	۰/۰۰۱
		آموزش به کودکان	-۱/۷۷	۰/۸۳	۰/۰۴

طبق نتایج حاصله، آزمون تعقیبی LSD مشخص می‌کند که در هر چهار خرده‌آزمون بین گروه‌های مشاوره به مادران و آموزش به کودکان تفاوت معنادار نیست ($P < 0/05$)، یعنی هر دو روش توانسته‌اند چشم‌انداز زمان، کنجکاو درونی، اطلاعات و کنجکاو بیرونی را افزایش دهند و در این زمینه تفاوت معناداری بین آن‌ها وجود ندارد. همچنین اختلاف میانگین مشاهده‌شده بین دو گروه مشاوره به مادران و گواه و آموزش به کودکان گواه در هر چهار خرده‌آزمون معنی‌دار است ($P < 0/05$)، یعنی آموزش مسیر شغلی به کودکان و مادران بر چشم‌انداز زمان، کنجکاو درونی، اطلاعات و کنجکاو بیرونی اثرگذار بوده است و توانسته آن را افزایش دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف مقایسه‌ی تأثیر دو روش مشاوره مبتنی بر دل‌بستگی به مادران و آموزش انطباق‌پذیری مسیر شغلی به کودکان بر روی رشد مسیر شغلی کودکان انجام شد. نتایج نشان داد هر دو روش بر رشد مسیر شغلی کودکان تأثیر دارند ($P < 0/05$) و بین دو روش تفاوت معناداری وجود ندارد ($P < 0/05$). پژوهشی که تأثیر آموزش مسیر شغلی به کودکان و مادران بر رشد مسیر شغلی کودکان پیش‌دبستانی را نشان دهد، یافت نشد و به منظور تبیین یافته‌ها از نتایج تحقیقات مشابه استفاده می‌شود. می‌توان گفت که نتایج پژوهش تقریباً با یافته‌های پژوهش اعتصام پور (۱۳۹۰)، سمیعی، حیدری، غلامی و همکاران (۱۳۹۵)، پرتوی نیا، علیزاده، خدادادی اندریه و همکاران (۱۳۹۵)، سمیعی،

اکرمی، کیانی و همکاران (۱۳۹۶)، گیلیس، مک ماهون و کارول^۱ (۱۹۹۸)، بیل^۲ (۲۰۰۰)، بیل (۲۰۰۳) و پالمرو و کوکران^۳ (۱۹۸۸) همسو است.

اعتصام پور (۱۳۹۰) به این نتیجه دست یافت که آموزش انطباق‌پذیری شغلی به والدین بر انطباق‌پذیری کودکان تأثیر دارد. همچنین پژوهش‌ها نشان دادند که آموزش مسیر شغلی بر رشد نقشه شناختی کودکان کم‌توان ذهنی (سمیعی و همکاران، ۱۳۹۵) و کودکان عادی (پرتوی نیا و همکاران، ۱۳۹۵) موثر است. یافته‌های پژوهش سمیعی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که بازی‌های ایفای نقش شغلی می‌توانند مسئولیت‌پذیری و انطباق‌پذیری شغلی را افزایش و افکار ناکارآمد شغلی را کاهش دهند و بر اساس پژوهش اشرفی و هزارجریبی (۱۳۹۷) آموزش‌های شغلی (کارآفرینی) بر مسیر شغلی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد.

باباریک، دوپس و بلازو^۴ (۲۰۲۰) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که مداخلات مسیر شغلی کودکان بر فرآیند جمع‌آوری اطلاعات در مورد خود و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات تأثیر دارد. بیل (۲۰۰۳، ۲۰۰۰)، به منظور افزایش آگاهی مسیر شغلی کودکان دبستانی فعالیت‌های راهنمایی شغلی را ترتیب داد. نتایج این پژوهش‌ها نشان داد که این فعالیت‌ها در افزایش آگاهی مسیر شغلی و تجارب یادگیری آنها نقش داشته است. همچنین پالمرو و کوکران (۱۹۸۸)، در پژوهشی تأثیر ارائه یک برنامه و دستور کار به والدین در جهت کمک به طراحی مسیر شغلی فرزندانشان را مورد بررسی قرار دادند که نتایج آن نشان داد والدین در رشد مسیر شغلی فرزندانشان به عملکرد مؤثرتری دست پیدا کرده‌اند. مشاوره مبتنی بر دلبستگی به والدین بر رشد مسیر شغلی کودکان تأثیر داشت. پژوهش ابرین^۵ (۱۹۹۶) رابطه‌ی مثبت بین سبک دلبستگی ایمن و رشد مسیر شغلی را

1. Gillies, R.M., McMahon, M.L., & Carroll, J.
 2. Beale, A. V.
 3. Palmer, S & Cochran, L.
 4. Blažev, M.
 5. O'Brien, K. M.

تأیید کرد. پردلان، عابدی، باغبان و همکاران (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که سبک دلبستگی ایمن با ابعاد انطباق‌پذیری مسیر شغلی رابطه‌ی مثبتی دارد. رایت و پرونه^۱ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای تأثیر دلبستگی را بر متغیرهای مسیر شغلی بررسی کردند و در مروری که بر پژوهش‌های مختلف داشتند نشان دادند که دلبستگی عامل بسیار مهمی در رشد مسیر شغلی است. متغیرهای فرآیندی از جمله حمایت و تشویق والدین و دلبستگی کودک به مادر در رشد مسیر شغلی کودکان اهمیت دارد (اسکولنبرگ، ووندراسک و کروچر^۲، ۱۹۸۴).

مشاوره مبتنی بر دلبستگی موجب شد که مادران به فکر ترمیم و تصحیح رابطه‌ی خود با کودکان بپردازند و سعی کنند احساس امنیت درونی را در کودک تقویت کنند. کودکی که دلبستگی ایمنی دارد از سوی والدینش نگرانی ندارد و آنها را همیشه در دسترس و مسئول می‌داند. در سایه‌ی این احساس امنیت کودک می‌تواند بدون هیچ نگرانی پا به جهان بگذارد و جهان اطراف خود را کشف کند و در مورد دنیای مشاغل و ویژگی‌های خود کنجکاوتر شود. این کنجکاوی منجر به کسب اطلاعات بیشتر در مورد خود و دنیای مشاغل می‌شود و زمینه‌ای را برای خودشناسی بهتر، رشد خودپنداره و گسترش رغبت‌های کودک فراهم می‌کند.

بلوستاین (۱۹۹۷) بیان کرد که روابط نزدیک، تجارب امنی را برای کودک فراهم می‌کند که مکاشفه و ریسک‌پذیری او را افزایش می‌دهد، عامل تسهیل‌کننده‌ای برای افزایش کنجکاوی است و منجر به شکل‌گیری رغبت‌های شغلی می‌شود. اما برعکس تجربیات منفی‌ای که کودک ناایمن در رابطه با مراقبانش کسب کرده است، ذهنیت منفی و بی‌اعتمادی نسبت به محیط اطراف را در او شکل می‌دهد و موجب می‌شود به خاطر ناامنی‌ای که در برخورد با موقعیت‌های جدید مثل موقعیت‌های شغلی در وجود خود احساس می‌کند، از تجربه کردن و کشف کردن محیط اطراف خودداری کند و در

1. Wright, S. L., & Perrone, K. M.

2. Schulenberg, J. E., Vondracek, F. W., & Crouter, A. C.

نتیجه منجر به محدود شدن آرزوها و رغبت‌هایش گردد؛ زیرا همان طور که گات فردسون (۲۰۰۵) معتقد است، کودکان نباید به محدودسازی آرزوها و رغبت‌های مسیر شغلی خود بپردازند و مداخلات اولیه باید محدوددهی انتخاب‌ها و گزینه‌های قابل قبول را با فراهم کردن زمینه‌های مکاشفه در مشاغل و نقش‌های زندگی گسترش دهد (شولتز، ۲۰۰۵).

به علاوه زمانی که والدین به موقع و درست نیازهای کودک را برآورده می‌کنند، او محیط اطرافش را قابل پیش‌بینی می‌بیند و ذهن کودک به جای تمرکز بر دغدغه‌ها و نگرانی‌های روزمره، متمایل به آینده می‌شود و با دید خوش بینانه‌ای در مورد آینده خیالبافی می‌کند. همچنین برقراری ارتباط خوب با کودک باعث می‌شود که کودک احساس کند والدین او را دوست دارند و برایش ارزش قائلند. در این صورت عزت نفس کودک افزایش می‌یابد و اعتماد به خود و خودکارآمدی او در موضوعات مختلف از جمله در مسیر شغلی افزایش می‌یابد. ساویکاس (۲۰۰۵)، به نقل از پاتون و مک ماهون (۲۰۰۶) معتقد است که اعتماد مسیر شغلی، توانایی حل مسئله و باورهای خودکارآمدانه را در کودک موجب می‌شود که در رشد مسیر شغلی کودکان نقش اساسی دارد. موضوع با اهمیت دیگر در رشد مسیر شغلی کودکان پیش‌دبستانی طرح ریزی برای رسیدن به اهداف و احساس کنترل بر زندگی و آینده است (استید و شولتز، ۲۰۱۰). کودکی که دلبستگی ناایمنی دارد به خود و توانایی‌هایش اعتماد ندارد و به مراقب خود وابسته است. این وابستگی موجب می‌شود که نتواند برای زندگی خود تصمیم‌گیری کند و در دنبال کردن اهداف خود دچار مشکل می‌شود.

نتایج حاکی از این موضوع است که آموزش انطباق‌پذیری مسیر شغلی به کودکان بر رشد مسیر شغلی آن‌ها تأثیر دارد. بر اساس نظریه‌ی سوپر مداخلات متمرکز بر رشد مسیر شغلی کودکان باید بر تحریک و پرورش کنجکاوی، مکاشفه‌ی خود و محیط، رشد منبع کنترل درونی، گسترش علایق، خودپنداره و هویت مبتنی باشند (شولتز، ۲۰۰۵)، که در آموزش انطباق‌پذیری به کودکان و طراحی بازی‌ها سعی شد تمام این موارد در نظر گرفته

شود. همچنین در این پژوهش مشخص شد که بین دو روش مشاوره مسیرشغلی به مادران و کودکان بر رشد مسیرشغلی کودکان تفاوتی وجود ندارد. انتظار می‌رفت مشاوره مبتنی بر دلبستگی به مادران به خاطر ماهیت زیربنایی دلبستگی و تأکید پیشینه بر ارتباط رشد مسیرشغلی و دلبستگی، تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد و آموزش انطباق‌پذیری به خاطر کوتاه مدت بودن دوره‌ی آموزش و توجه نکردن به برخی عوامل زیربنایی تأثیر کمتری بر رشد مسیرشغلی کودکان نشان دهد. در تبیین این نتیجه می‌توان این موضوع را در نظر گرفت که مادران نیاز به زمان طولانی‌تری دارند تا آموزش‌های انتقال داده شده را در مورد فرزندان خود به کار گیرند. از طرف دیگر کودکان با توجه به تنوع جلسات با علاقه و اشتیاق زیادی در فعالیت‌ها شرکت می‌کردند، نسبت به جلسات کنجکاو بودند و هر جلسه منتظر موضوعات جدید بودند که در تأثیرگذاری روش آموزش انطباق‌پذیری به کودکان نیز نقش به‌سزایی داشت.

نتایج نشان داد که هر دو روش تأثیر معناداری بر افزایش چشم‌انداز زمان، کنجکاو‌ی درونی، اطلاعات و کنجکاو‌ی بیرونی داشته است. ساویکاس (به نقل از براون^۱ و همکاران، ۲۰۰۲) بیان کرد افرادی که چشم‌انداز زمان رشد یافته‌ای دارند، هم گذشته و هم آینده را در نظر می‌گیرند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که مشاوره مبتنی بر دلبستگی منجر به افزایش احساس امنیت در کودکان شده و اعتماد آنها را نسبت به والدین افزایش می‌دهد. با توجه به این تجارب دیدگاه کودک در مورد رابطه اش با والد مثبت می‌شود، تجارب منفی گذشته را بازنگاری می‌کند، احساسات مثبت و خوش بینانه‌ای را پرورش می‌دهد و تجارب مثبتی را که به دست می‌آورد جایگزین می‌سازد. در نتیجه‌ی امن بودن شرایط ذهنش به سمت آینده جهت‌گیری پیدا می‌کند و نگرانی‌های روزمره اش کاهش می‌یابد. که این موجب پرورش چشم‌انداز زمان در کودک می‌شود. آموزش انطباق‌پذیری مسیرشغلی به کودکان نیز بر رشد چشم‌انداز زمان مؤثر بود. می‌توان

بیان کرد که بازی‌هایی که به منظور افزایش دغدغه طراحی شده بود، در چشم انداز زمان کودکان مؤثر بوده است. زیرا از نظر ساویکاس، سیلینگ^۱ و شوارتز^۲ (۱۹۸۴)، دغدغه‌ی مسیر شغلی در واقع همان چشم انداز زمان است که در نظریه‌ی گینزبرگ و سوپر مطرح شده است. فکر کردن و تصویرسازی در مورد آینده شغلی و خانوادگی در رشد چشم انداز زمان کودکان تأثیر داشت.

در رابطه با تأثیر مشاوره مبتنی بر دلبستگی به مادران در افزایش کنجکاوی درونی و بیرونی کودکان، می‌توان به اطمینان خاطر که کودکان به خاطر رابطه‌ی صمیمی با مراقب خود به دست آورده‌اند، اشاره کرد که منجر شده در مورد موضوعات مختلف و دنیای اطراف کنجکاوتر شوند و بتوانند بدون نگرانی به کشف و یادگیری از محیط بپردازند. کترسون و بلوستاین (۱۹۹۷) رابطه بین سبک‌های دلبستگی والد-کودک و مکاشفه مسیر شغلی را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که سبک دلبستگی ایمن رابطه مثبتی با مکاشفه و کنجکاوی مسیر شغلی دارد. همچنین آموزش انطباق‌پذیری مسیر شغلی به کودکان در افزایش کنجکاوی بیرونی و درونی کودکان تأثیر داشت. با توجه به اهمیت زیاد کنجکاوی در رشد مسیر شغلی کودکان چندین جلسه به افزایش کنجکاوی در مورد دنیای مشاغل و ویژگی‌های خود اختصاص داده شد. طراحی تعداد زیادی فعالیت به منظور تحریک کنجکاوی کودکان مثل تکنیک درخت مشاغل، ایفای نقش مشاغل مختلف، نمایشگاه مشاغل و آشنایی کودکان با ابزار و شیوه کار عینی مشاغل و همچنین تکنیک دسته بندی کارت‌های مشاغل منجر به پرورش این عامل مهم در کودکان شد و به طور کلی رشد مسیر شغلی آنها را به طور مثبتی تحت تأثیر قرار داد.

نتایج نشان داد که هیچ یک از دوروش تأثیر معناداری بر افزایش طرح ریزی، خود پنداره، منبع کنترل و رغبت کودکان نداشته است. در تبیین عدم تأثیر مشاوره مسیر شغلی بر این مولفه‌های رشد مسیر شغلی کودکان، اشاره به این نکته اهمیت دارد که

طرح ریزی در کودکان در مراحل اولیه‌ی رشد مسیر شغلی اتفاق نمی‌افتند. نازلی^۱ (۲۰۰۷) مطرح کرد که کودکان باید در حین برنامه‌ریزی به رشد نسبی رغبت‌ها، چشم انداز زمان، اطلاعات و حس کنترل بر آینده رسیده باشند. این بدین معنا است که شکل‌گیری طرح ریزی به سادگی اتفاق نمی‌افتند و نیاز به فرآیند طولانی‌تری دارد. همچنین در تبیین معنادار نشدن روش مشاوره مسیر شغلی به مادران بر روی خودپنداره مسیر شغلی کودکان باید این موضوع را در نظر گرفت که با توجه به نظر گات فردسون (۲۰۰۵)، رشد خودپنداره به صورت ظریف و تدریجی اتفاق می‌افتد. پس می‌توان بیان داشت که کودکان برای درونی کردن اطلاعاتی که در اثر کنجکاوی و اکتشاف به دست می‌آورند نیاز به زمان دارند و این روند نمی‌تواند به سرعت انجام گیرد. گات فردسون (۲۰۰۵)، معتقد است که خودپنداره با رشد رغبت‌ها در ارتباط است. با توجه به نتایج پژوهش هیچ یک از دو روش مشاوره به مادران و آموزش به کودکان نتوانسته است در رشد رغبت‌ها و هم‌چنین رشد خودپنداره تأثیر مثبتی داشته باشد. پس یکی از دلایل رشد نیافتن خودپنداره در کودکان را می‌توان ناشی از عدم توسعه‌ی رغبت‌های آنان دانست. رشد خودپنداره زمانی مشخص می‌شود که افراد می‌توانند ترجیحات شغلی‌شان را ابراز کنند، پس ممکن است کودکان اطلاعات مثبتی در مورد خود به دست آورده باشند، اما هنوز آنها را ابراز نکرده و مادران متوجه رشد خودپنداره آنها نشده باشند.

همچنین برخلاف انتظار مشاوره مبتنی بر دلبستگی به مادران تأثیری بر منبع کنترل کودکان نداشته است. انتظار می‌رود کودکی که دلبستگی ایمنی پیدا می‌کند، به خاطر قابل پیش‌بینی بودن شرایط و آرامش حاصل از آن، کنترلش بر روی احساساتش افزایش یابد. با فرض اینکه مادران آموخته‌هایشان را در رابطه با کودک ادامه دهند، احتمال بالارفتن کنترل کودکان بر رفتارشان وجود دارد و شاید در صورت وجود آزمون‌پیکیری تأثیر مشاوره بر منبع کنترل معنی‌دار گردد. همچنین منبع کنترل در کودکان می‌تواند به عوامل

دیگری به غیر از دل‌بستگی نیز وابسته باشد و پیش‌بینی می‌شود که با افزایش سن آنها کنترل بیشتری بر اعمال و احساساتشان به دست آورند.

نتایج نشان داد که به طور کلی مشاوره مسیر شغلی به مادران و کودکان تأثیری در رشد رغبت‌های کودکان نداشته است و تفاوتی بین دو گروه وجود ندارد. تک و همکاران (۲۰۱۵) بیان داشتند که روابط ایمن والد-کودک، مکاشفه مسیر شغلی، آرزوها و رغبت‌های مسیر شغلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با توجه به افزایش کنجکاوی و فرآیندی بودن رشد مسیر شغلی انتظار می‌رفت که رغبت‌های کودکان نیز رشد یابد. زیرا زمانی که کنجکاوی کودک افزایش یابد، مکاشفه درونی و بیرونی او افزایش می‌یابد. این کنجکاوی او را می‌دارد تا چیزهای بیشتری را تجربه کند. از بین این تجارب به علایق خود توجه کند و همچنین با قرار گرفتن در معرض تجارب مختلف دامنه‌ی رغبت‌هایش افزایش یابد. با توجه به اینکه مگنوسن و استار (۲۰۰۰) بیان داشتند مسیر شغلی یک فرآیند مادام‌العمر و تراکمی است و در مراحل پی‌درپی و تراکمی اتفاق می‌افتد، این فرضیه را می‌توان اینگونه تبیین کرد که کودکان در مراحل اولیه‌ی فرآیند رشد مسیر شغلی قرار دارند و با گذشت زمان و در صورت تداوم روابط صمیمانه رغبت‌های کودکان نیز رشد خواهد یافت.

با توجه به محدود شدن نمونه به سن پیش‌دبستانی، اجرا نشدن دوره پیگیری و اجرای پژوهش در شهر اصفهان تعمیم‌پذیری این پژوهش به کودکان با گروه‌های سنی مختلف، در نقاط دیگر و همچنین تعمیم نتایج در طولانی مدت با محدودیت رو به رو می‌شود. بر این اساس پیشنهاد می‌شود جهت بررسی تأثیرات بلندمدت از نتایج به دست آمده در این پژوهش، تحقیقات طولی مناسب صورت گیرد و در پژوهش‌های آتی به اجرای آموزش‌های مسیر شغلی در مورد کودکان دبستانی نیز پرداخته شود. همچنین پیشنهاد می‌گردد با توجه به تأثیر آموزش و مشاوره مسیر شغلی به کودکان پیش‌دبستانی و

مادران آنها بر روی رشد مسیر شغلی کودکان، این برنامه‌های آموزشی به صورت فرآیندی در مهدکودک‌ها و پیش دبستانی‌ها اجرا گردد.

منابع

- اشرفی، س؛ نجفی هزارجریبی، ح. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش کارآفرینی بر مسیر شغلی دانش آموزان. علوم تربیتی، ۲۵(۲)، ۹۱-۱۰۸.
- اعتصام پور، ع. (۱۳۹۰). تأثیر آموزش شغلی والدین بر انطباق‌پذیری مسیر شغلی دانش آموزان پسر پایه سوم دبستان شهر اصفهان در سال ۹۰-۱۹. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره شغلی، دانشگاه اصفهان.
- اکبرزاده، م؛ عابدی، م؛ باغبان، ا. (۱۳۹۸). نقش میانجی انطباق‌پذیری مسیر شغلی در رابطه هوش هیجانی با مشکلات تصمیم‌گیری مسیر شغلی. پژوهش‌های مشاوره، ۱۸(۷۲)، ۶۶-۹۴.
- پردلان، ن؛ عابدی، م؛ باغبان، ا؛ نیلفروشان، پ. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و انطباق‌پذیری مسیر شغلی در دانشجویان. مشاوره شغلی و سازمانی، ۱۸، ۳۴-۲۲.
- پرتوی نیا، ز؛ علیزاده، ع؛ خدادادی اندریه، ف؛ یزدانی، ش؛ رسولی، آ. (۱۳۹۵). تأثیر آموزش مسیر شغلی بر رشد نقشه شناختی اشتغالات در دانش آموزان مقطع ابتدایی. مشاوره شغلی و سازمانی، ۸(۲۷)، ۴۵-۵۷.
- خراسانی، ن؛ عابدی، م؛ صادقی، ا. (۱۳۹۴). نیازسنجی و مقایسه‌ی تأثیر دو روش آموزش مسیر شغلی به کودکان پیش دبستانی و والدین آن‌ها بر روی رشد مسیر شغلی کودکان. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره شغلی، دانشگاه اصفهان.
- خراسانی، ن؛ عابدی، م؛ صادقی، ا. (۱۳۹۵). نیازسنجی مسیر شغلی کودکان پیش دبستانی. پژوهش‌های مشاوره، ۱۵(۵۹)، ۱۲۳-۱۴۴.
- سمیعی، ف؛ اکرمی، ن؛ کیانی، م؛ گل‌کیان، م. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر بازی‌های ایفای نقش شغلی بر مسئولیت‌پذیری. انطباق‌پذیری مسیر شغلی و افکار ناکارآمد حرفه‌ای دانش آموزان، پژوهش‌های مشاوره، ۱۶(۶۴)، ۱-۱۸.
- سمیعی، ف؛ حیدری، ح؛ جلالی، م؛ غلامی، آ. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش‌های شغلی در تحول مسیر شغلی انتخاب شغل دانش آموزان کم‌توان ذهنی. پژوهش‌های مشاوره، ۱۵(۵۸)، ۷۱-۵۵.
- علی پور اصفهانی، ن؛ صادقی، ا. (۱۳۹۹). نقش خوش‌بینی و انطباق‌پذیری مسیر شغلی در موفقیت تحصیلی دانشجویان. پژوهش‌نامه روان‌شناسی مثبت، ۶(۱)، ۱-۱۲.
- گال، م. بورگ، و. گال، ج. (۱۹۴۱). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی. ترجمه احمدرضا نصر و همکاران (۱۳۸۳). تهران: انتشارات سمت و دانشگاه شهید بهشتی.

- Babarović, T., Burušić, J., Dević, I., Gracin, D. G., & Velić, M. Š. (2017). Interests in STEM careers during primary schooling: Fitting the STEM interests into RIASEC structural space. Paper presented at the European Conference on Educational Research (ECER 2017).
- Babarović, T., Dević, I., & Blažev, M. (2020). The effects of middle-school career intervention on students' career readiness. *International Journal for Educational and Vocational Guidance*, 20(2), 429-450.
- Beale, A. V. (2000). Elementary School Career Awareness: A Visit to a Hospital. *Journal of Career Development*, 27 (1), 65-72.
- Beale, A. V. (2003). It takes a team to run a restaurant: Introducing elementary students to the interrelatedness of occupations. *Journal of Career Development*, 29 (3), 211-220.
- Blustein, D. L. (1997). A context-rich perspective of career exploration across the life roles. *The Career Development Quarterly*, 45 (3), 260-274.
- Blustein, D., Prezioso, M., & Schultheiss, D. (1995). Attachment theory and career development: Current status and future directions. *The Counseling Psychologist*, 23, 416-432.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: attachment*. New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (1988). *A secure base: Parent-child attachment and healthy human development*. New York: Basic Books.
- Brown, D., & Associates. (2002). (Eds.). *Career choice and development (4th Ed.)*. San Francisco, CA: Jossey-Bass.
- Carvalho, R. G., Pocinho, M., & Fernandes, D. (2018). Fostering career awareness in elementary schools: Evaluation of an intervention proposal. *The Spanish journal of psychology*, 21(16), 1-8.
- Cinamon, R. G. & Dan, O. (2010). Parental attitudes toward preschoolers' career education: a mixed-method study. *Journal of career development*, 37 (2), 519-540.
- Crause, E., Watson, M., & McMahon, M. (2017). Career development learning in childhood: Theory, research, policy and practice. In M. B. Watson & M. McMahon (Eds.), *Career exploration and development in childhood: Perspectives from theory, research and practice* (pp. 186-198). London, England: Routledge.
- Gillies, R.M., McMahon, M.L., & Carroll, J. (1998). Evaluating a career education intervention in the upper elementary school. *Journal of Career Development*, 24(4), 267-287.
- Gordon, T.R., Couture, S.J. & Drefs, M.A. (2000). Career and Life-planning: Needs of Children and Adolescents. *Natcon Papers*, 1-10.
- Gottfredson, L. S. (2002). Gottfredson's theory of circumscription, compromise and self-creation. In D Brown (Ed.) and associates. *Career Choice and Development (4th Ed. pp. 85-148)*. san Francisco: jossey-bass.
- Gottfredson, L. S. (2005). Gottfredson's theory of circumscription, compromise, and self-creation. In S. D. Brown & R.W. Lent (Eds.), *Career development and counseling: Putting theory and research to work* (pp. 71-100). Hoboken, NJ: Wiley.

- Hartung, P. J., Profeli, E. J. & Vondracek, F. W. (2005). Vocational development in childhood: A review and reconsideration. *Journal of Vocational Behavior*, 66, 385-419.
- Hartung, P. J.; Profeli, E. J. & Vondracek, F. W. (2008). Career adaptability in childhood. *Career Development Quarterly*, 57, 66-97.
- Johnson, L. S. (2000). The relevance of school to career: A study in student awareness. *Journal of Career Development*, 26, 263-276.
- Ketterson, T. U., and Blustein, D. L. (1997). Attachment Relationships and the Career Exploration Process. *Career Development Quarterly*, 46 (2), 167-178.
- Knight, J. L. (2015). Preparing Elementary School Counselors to Promote Career Development Recommendations for School Counselor Education Programs. *Journal of Career Development*, 42 (2), 75-85.
- Magnuson, C. S., & Starr, M. F. (2000). How early is too early to begin life career planning? The importance of the elementary school years. *Journal of career development*, 27, 89-101.
- Maree, J. G. (2017). Promoting career development in the early years of a person's life through self- and career construction counselling (using an integrated, qualitative + quantitative approach): a case study. *Early Child Development and Care*, 1-15.
- Nazli, S. (2007). Career development in primary school children. *Career Development International*, 12 (5), 446-462.
- Nota, L., Ginevra, M., & Santilli, S. (2015). Life design and prevention. In L. Nota & J. Rossier (Eds.), *Handbook of life design* (pp. 183-199). Gottingen: Hogrefe.
- O'Connor, T. G., & Zeanah, C. H. (2003). Attachment disorders: Assessment strategies and treatment approaches. *Attachment and Human Development*, 5, 223-244.
- O'Brien, K. M. (1996). The influence of psychological separation and parental attachment on the career development of adolescent women. *Journal of Vocational Behavior*, 48 (3), 257-274.
- Oliveira, Í. & Taveira, M.C. (2012). Desenvolvimento vocacional na infância: Validação da childhood career development scale para a população portuguesa e contributos para a prática psicológica. *II Seminário Internacional "Contributos da Psicologia em Contextos Educativos"*, 735-745.
- Oliveira, I. M., Taveira, M. C., & Porfeli, E. J. (2015). Emotional aspects of childhood career development: Importance and future agenda. *International Journal for Educational and Vocational Guidance*, 15(2), 163-174.
- Palmer, S & Cochran, L. (1988). Parents as agents of career development. *Journal of counseling psychology*, 35 (1), 71-76.
- Patton, W. (2017). Career Adaptability, Employability and Resilience for Children in the Early School Years. *Psychology of Career Adaptability, Employability and Resilience*, 207-223.
- Patton, W., & McMahon, M. (2006). *Career development and systems theory: A new relationship*. Pacific Grove, CA: Brooks/Cole.
- Peila-Shuster, J. J. (2018). Fostering hope and career adaptability in children's career development. *Early Child Development and Care*, 188 (4), 452-462.

- Santilli, S., Grossen, S., & Nota, L. (2020). Career Adaptability, Resilience, and Life Satisfaction Among Italian and Belgian Middle School Students. *The Career Development Quarterly*, 68(3), 194-207.
- Savickas, M. L. (2002). Career construction: a developmental theory of vocational behavior. In D. Brown (Ed.), *career choice and development* (4th ed., pp.149-205). San Francisco: jossey-bass.
- Savickas, M. L. (2015). *Career counselling paradigms; Guiding, developing, and designing*. In P. J. Hartung, M. L. Savickas, & W. B. Walsh (Eds.), APA handbook of career intervention. Vol. 2: Applications (pp. 129–143). New York, NY: American Psychology Association.
- Savickas, M. L., Silling, S. M., & Schwartz, S. (1984). Time perspective in career maturity and decision making. *Journal of Vocational Behavior*, 25, 258–269.
- Schulenberg, J. E., Vondracek, F. W., & Crouter, A. C. (1984). The influence of the family on vocational development. *Journal of Marriage and the Family*, 46, 129-143.
- Schultheiss, D. E. P. (2005). Elementary career intervention programs: Social action initiatives. *Journal of Career Development*, 31, 185-194.
- Seligman, L., Weinstock, L., & Heflin, E. N. (1991). The career development of 10 year olds. *Elementary School Guidance and Counseling*, 25, 172-181.
- Sharf, R. S. (2010). *Applying career development theory to counseling* (3rd Ed.). Pacific Grove, CA: Brooks Cole.
- Skorikov, V. B., Patton, W. (2007). *Career Development in Childhood and Adolescence*, Career Development Series, Sense Publishers.
- Stead, G. B., & Schultheiss, D. E. P. (2003). Construction and psychometric properties of the Childhood Development Scale. *South African Journal of Psychology*, 33, 227-235.
- Stead, G. B., & Schultheiss, D. E. P. (2010). Validity of Childhood Career Development Scale scores in South Africa. *International Journal for Educational and Vocational Guidance*, 10, 73 - 88.
- Super, D. E. (1990). The Life-Span, Life-Space Approach to Career Development. In L. B. D. Brown, & Associates (Ed.), *Career Choice and Development* (pp. 197-261). San Francisco: Jossey-Bass.
- Tekke, M., Ghani, M. F. B. A., & Kurt, N. (2015). Running head–vocational interest and exploration in childhood: parenting style. *Global Business and Economics Research Journal*, 4 (2), 27-38.
- Tokar, D. M., Withrow, J. R., Hall, R. J., & Moradi, B. (2003). Psychological separation, attachment security, vocational self-concept crystallization, and career indecision: A structural equation analysis. *Journal of Counseling Psychology*, 50 (1), 3.
- Tracey, T. J. G. (2001). The development of structure of interests in children: setting the stage. *Journal of vocational behavior*, 59, 89-104.
- Van Der Westhuyzen, N.T. (2011). *Childhood development and career development in eight-year-old South African girls*, Doctoral thesis, Nelson Mandela Metropolitan University.

- Watson, M & McMahon, M. (2005). Children's career development: A research review from a learning perspective. *Journal of vocational behavior*, 67, 119-132.
- Wibowo, D. H., Ambarwati, K. D., & Crescenzo, P. (2020). The role of grit and parent-child communication in career adaptability. *Psikohumaniora: Jurnal Penelitian Psikologi*, 5(2), 185-196.
- Williams, B., Onsmann, A., & Brown, T. (2010). Exploratory factor analysis: A five-step guide for novices. *Australasian journal of paramedicine*, 8(3).
- Wright, S. L., & Perrone, K. M. (2008). The Impact of Attachment on Career Related Variables a Review of the literature and proposed theoretical Framework to Guide Future Research. *Journal of Career Development*, 35 (2), 87-106.

